

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

می‌تواند هر تیم هجومی را در کسری از ثانیه مجازات کند. حضور آربلوا، پایان عصر مربیان محافظه‌کار و آغاز دوران مربیانی است که رگ و ریشه‌شان با سکوهای برنابئو گره خورده است. او نیامده تا فقط بازی را ببسد؛ او آمده تااز هویت مادرید در برابر ماشین آلمانی دفاع کند.

در سوی دیگر میدان، بایرن مونیخی ایستاده که با وینسنت کمپانی، پوست‌اندازی وحشتناکی را تجربه کرده است. انتخاب کمپانی برای نیمکت بایرن، در ابتدا یک قمار بزرگ به نظر می‌رسید، اما مردبازیکی ثابت کرد که ترکیب‌هوش‌ناکتیکی پپ گواردیولا با اقتدار فیزیکی یک کاپیتان لیگ برتری، چه هیولایی می‌تواند خلق کند.

کمپانی، بایرن را از آن رخوت تاکتیکی سال‌های قبل خارج کرده‌است. بایرن کمپانی، ترکیبی است از پرسینگ دیوانه‌وار، چرخش‌های پوزیشنی و یک بی‌رحمی ذاتی که ریشه در تاریخ باورآیا دارد. کمپانی در دوران بازی‌اش یک رهبر بلامناع بود و حالا همان کاریزما را به رختکن بایرن تزریق کرده است. او می‌داند که برای بردن در برنابئو، نمی‌توان فقط روی تاکتیک حساب کرد؛ باید از نظر روانی، بر حریف مسلط شد.

سیستم کمپانی بر پایه خفه کردن حریف در زمین خودش بنا شده است. او با مدافعانی که روی خط نیمه‌سازی می‌کنند و هافبک‌هایی که مانند شکارچی به دنبال توپ می‌دوند، قصد دارد اکسیژن را از رئال مادرید آربلوا بگیرد. تقابل ایدنولوزی کمپانی با عمل‌گرایی آربلوا، یک کلاس درس مدرن از فوتبال است. یکسی می‌خواهد با تسلط مطلق بر فضا و توپ، حریف را تحقیر کند و دیگری، منتظر یک اشتباه کوچک است تا با یک ضدحمله زهرآگین، قلب‌باورآیا را بشکافد.

بازی امشب، نمایشی از پارادو کس‌هاست. رئال مادرید در خانه بازی می‌کند، اما این بایرن است که احتمالا توپ و میدان را در اختیار خواهد گرفت. جنگ اصلی در میانه میدان رخ خواهد داد؛ جایی که هافبک‌های تخریب‌چی و باز‌سازان مدرن، برای هر سانت‌مربع از چمن برنابئو باید خون‌بدهند. آربلوا به خوبی می‌داند که فضاهای پشت مدافعان بایرن (که به دلیل سبک هجومی کمپانی همیشه خالی است)، کلید فتح این مسابقه است. او وینگرهای خود را نه برای مشارکت در باز‌سازی، بلکه به عنوان پیکان‌های زهرآگین برای فرار در عمق آزاد خواهد گذاشت. در مقابل، کمپانی تلاش می‌کند تا با ایجاد برتری عددی در کانال‌های کناری و استفاده از هافبک‌های نفوذی، بلوک

سایه‌های مادرید، کابوس‌های مونیخ؛ کالبدشکافی شب‌رستاخیز برنابئو

## جنون کلاسیک



آر باطاری

هوادر مادرید سنگین است؛ از آن سنگینی‌های آشنایی که فقط در شب‌های خاص لیگ قهرمانان اروپا حس می‌شود. امشب، وقتی سرود چمپیونزلیگ در سانتیاگو برنابئوسو ملین‌انداز شود، این فقط تقابل ۲۲ بازیکن روی چمن سبز نیست؛ این برخورد دو قاره، روان‌شناختی، دو مکتب فکری و دو امپراتوری است که تاریخ اروپا را با خون، عرق و اشک‌های یکنگدیر نوشته‌اند. رئال مادرید و بایرن مونیخ؛ این نام‌ها در کنار هم، بوی باروت می‌دهند. این مسابقه، تجلی ناب واژه «کلاسیک» است، اما این بار در بهار ۲۰۲۶، داستان با رابواین جدیدی نوشته می‌شود؛ الوارو آربلوا و وینسنت کمپانی.

برای درک عظمت کاری که امشب در برنابئو رخ می‌دهد، باید به گذشته سفر کرد. رئال و بایرن،

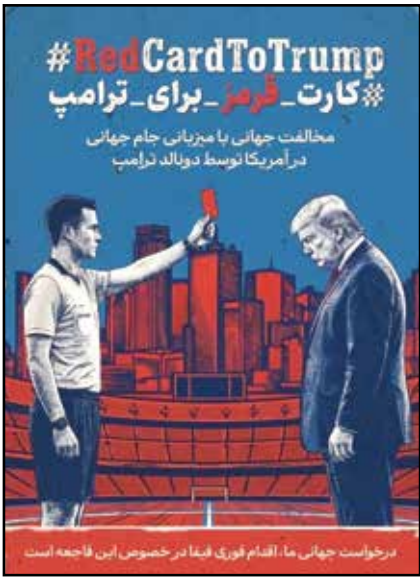
### آلوارو آربلوا؛ برزخ برنابئو

آلوارو آربلوا اکنون در میانه یک پارادوکس خیر و کننده ایستاده است؛ مردی که گویی روح‌ش را به شیطان لیگ قهرمانان فروخته تا در اروپا جادوانه شود، اما در خاک وطن، زیر گام‌های لغزان تیمش در لالیگا، در حال فروپاشی است. کارنامه او در فصل جاری چمپیونزلیگ، بیشتر به یک انتقام‌نامه شباهت دارد تا یک مسیر فوتبالی. او با بی‌رحمی تمام، وزره مورینیو، استاد و مرشد سابقش را از پیش رو برداشت و سپس در یک دوئل تمام‌عیار تاکتیکی، منچستر سیتی و پپ گواردیولا را به زانو در آورد تا اینکه ندی آن‌ان را رئال مادرید در رگ‌های او می‌جوشد. او در شب‌های قاره‌ای، مربی‌گری نمی‌کند، او جادو می‌کند. اما این سسکه، روی تاریک و هولناکی هم دارد. در دست در لحظاتی که هواداران برای او دای پادشاهی می‌زدند، لالیگا به گیوتینی برای گردن او تبدیل شده است. شکست تلخ و غیرمنتظره مقابل مایور کادر آخرین ایستگاه، آن هم در دست پیش از نبرد با بایرن، زخمی عمیق بر

تیم، فلسفه «شکست‌آبرومندانه» را نمی‌فهمند. در دی‌ان‌ای رئال مادرید و بایرن مونیخ، نایب‌قهرمانی یک فاجعه‌مدیریتی محسوب می‌شود. وقتی این دو به هم می‌رسند، فقط یک نفر زنده از میدان خارج می‌شود. این بازی، تئاتر رویاها نیست؛ کلوئوسمو گالدا یا تور هاست. جایی که تاکتیک‌ها در دقیقه ۷۰ رنگ می‌بازند و همه چیز به «شخصیت» و «وزن پیراهن» گره می‌خورد.

رئال مادرید امروز در حال تجربه یک دگردیسی تاریخی است. نشستن الوارو آربلوا روی نیمکت تیم اول، یک پیام روشن از نسوی فلورنتینو برآست؛ بازگشت به رادیکال‌ترین فرم «مادریسیسمو». آربلوا نه یک تئورسین رمانتیک است و نه پیرو مکتاب مالکیت توپ و سواوسی، او که سال‌ها در آکادمی (لا فابریکا) مغز و روح بازیکنان جوان را صیقل داده، حالا سکاندار تیمی است که خودش زمانی سرباز وفادار آن بود. آربلوا در دوران بازی‌اش، نماد تعصب، جنگندگی و فداکاری بود؛ همان بازیکنی که وزره مورینیو را می‌پرستید، چون حاضر بود برای تیم، خودش افغانا کند.

حالا او هم‌سان روحیه اسپارته‌ی را به نیمکت رئال مادرید تزریق کرده؛ البته فقط در لیگ قهرمانان اروپا. رئال آربلوا، تیمی نیست که بخوهد با پاس کاری‌های بی‌هدف، تماشاگر را مسحور کند؛ این تیم برای «کشش» به زمین می‌رود. آنها در فاز انتقال مانند یک شمشیر سامورایی عمل می‌کنند؛ سریع، کشنده و بدون نقص. آربلوا می‌داند که بایرن امشب برای تحمیل بازی خود به برنابئو می‌آید، اما او تله‌هایی را در میانه میدان کار گذاشته است که



این کمپین، روز ۶ آوریل را که روز جهانی ورزش برای صلح است، به عنوان فرصتی برای تاکید بر تناقض آشکار میان آرمان‌های صلح‌طلبانه ورزش و سیاست‌های جنگ‌طلبانه دولت آمریکا انتخاب کرده است. این پویش از ورزشکاران، مربیان، رسانه‌ها و عموم هواداران فوتبال در سراسر جهان دعوت کرده است تا پویش از آنکه دیر شود، به این حرکت بپیوندند و موضع خود را در برابر رفتارهای ضدبشری و ضدصلح اعلام کنند. با نزدیک شدن به جام جهانی و افزایش فشارها، اکنون نگاه‌ها به نسوی فیفا دوخته شده تا مشخص شود آیا این نهاد بین‌المللی ورزشی در برابر این درخواست‌ها واکنش نشان خواهد داد یا خیر.

### اتفاق روز

**شوک بزرگ به هواداران پرسپولیس؛ پیروانی تعلیق شد**

خبر برکناری افشین پیروانی از سمت مدیریت تیم پرسپولیس، شوک بزرگی برای هواداران این تیم بود. پیروانی که سال‌ها به عنوان یکی از وفادارترین چهره‌ها به باشگاه شناخته می‌شد، در پی یک سفر شخصی به ایالات متحده آمریکا، از سمت خود تعلیق شد.

این تصمیم ناگهانی، پایانی تلخ بر همکاری طولانی‌مدت او با پرسپولیس بود. پیروانی نه تنها به عنوان بازیکن، بلکه در سال‌های اخیر به عنوان مدیر تیم، نقش مهمی در موفقیت‌های پرسپولیس داشت. او در دوران طلایی این تیم، به عنوان فردی با تجربه و آشنایه حواشی فوتبال، در کنار مربیان مختلف، به کسب قهرمانی‌های متعدد کمک کرد.



باشگاه پرسپولیس در اطلاعیه رسمی خود، دلیل این تعلیق را سفر پیروانی به آمریکا در شرایط حساس کنونی کشور و حملات اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران عنوان کرد. باشگاه تاکید کرد که این سفر مورد تایید ارکان مدیریتی نبوده و در راستای مینابت از جایگاه و شأن باشگاه یا واقع همکاری شده است.

این تصمیم، جدایی یک چهره کلیدی از بدنه مدیریتی پرسپولیس را رقم زد که برای بسیاری از هواداران، نماد هویت و تعصب به پیراهن قرمز بود. حالا با تعلیق همکاری، سرنوشت پیروانی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و باید منتظر ماند تا کمیته انضباطی باشگاه پس از بازگشت او به ایران، تصمیم‌نهایی را اعلام کند. این اتفاق، نه تنها یک تغییر مدیریتی بلکه پایان یک دوران برای یکی از محبوب‌ترین چهره‌های پرسپولیس است.

### وینسنت کمپانی؛ در جست‌وجوی هویت

متزلزل و لرزش‌های تاکتیکی در شب‌های بزرگ، این هراس را در دل هواداران زنده کرده که شاید وینسنت، همین‌برای نشستن بر کرسی بزرگان قاره کال باشد. حالا سناریو برنابئو برای کمپانی حکم تازوی عدالت را دارد. او که به مادرید نیامده تا فقط یک بازی‌رآمد بریت‌کند؛ او آمده تا علیه این روایت تحقیرآمیز قیام کند. شکست دادن رئال آربلوا در قلب اسپانیا، تنها ای است که او می‌تواند با آن دهان منتقدان را ببندد و ثابت کند که اعتبار بایرن در اروپا با او همدار نخواهد شد. برای کمپانی، این نبرد، فراتر از یک مرحله یک‌چهارنهایی است؛ این از مون بلوغ اوست. اگر او نتواند از جهنم برنابئو سربلند خارج شود، تمام آن پیروزی‌های درخشان در پوندس لیگایر از او رانگاری اروپایی دفن خواهد شد. کمپانی امشب باید انتخاب کند؛ آیا یک مربی محلی موفق باقی بماند، یا به عنوان یک نژرال فاتح، بنامش را در تاریخ قاره خواهد ساخت. نبرد با رئال، برای او عبور از خط قرمزی است که مردان معمولی را از اسطوره‌ها جدا می‌کند.

آوارروانی هفته‌های اخیر بیرون بکشد. او باید تصمیم بگیرد؛ آیا باز هم به همان سیستم همیشگی‌اش وفادار می‌ماند و قمار می‌کند، یا برای اولین بار به دنبال یک پیروزی عمل‌گرایانه و زشت در خاک پرتغال خواهد بود؟ در لیسبون، آرنتا نه فقط با اسپورتینگ، بلکه با سایه خودش می‌جنگد؛ با آن مربی کمال‌گرایی که شاید گاهی یادش می‌رود در فوتبال، نتیجه بر



زیبایی مقدم است. امشب، وقتی سوت آغاز بازی به صدا درآید، آرسنال با تمام سنگینی پیراهنش وارد میدان می‌شود. آنها می‌دانند که هر نتیجه‌ای جز یک پیروزی مقتدرانه یا حداقل یک تساوی امیدوارکننده، فصل درخشان آنها را به یک تراژدی تمام‌عیار تبدیل خواهد کرد. اسپورتینگ با حمایت دیوانه‌وار هوادارانش، فضایی را خواهد ساخت که در آن، هر پاس اشتباه آرسنال، با غرش استادبوم همراه خواهد بود.

این بازی، نبرد انگیزه علیه استرس است. اسپورتینگ چیزی برای از دست دادن ندارد و همین، آنها را به خطرناک‌ترین حریف ممکن تبدیل می‌کند. در مقابل، آرسنال همه چیز را در گروی این ۹۰ دقیقه می‌بیند. ایساق‌های بازیکنان آرسنال تحت این فشار خردکننده دوام می‌آورند؟ یا اینکه لیسبون، به گورستان آخرین آرزوی بزرگ توپچی‌ها در این فصل تبدیل خواهد شد؟

آرسنال به لیسبون آمده تا از هویتش دفاع کند، اما حقیقت این است که آنها روی لبه تیغ راه می‌روند. یک سو، صعود به نیمه‌نهایی و بازگشت عزت‌نفس است و از سوی دیگر، سقوطی که می‌تواند پایان بخش یک دوران در شمال لندن باشد. امشب، فوتبال بار دیگر به ما یادآوری خواهد کرد که هیچ جامی را پیش از فینال به کسی هدیه نمی‌دهند، حتی اگر نامت آرسنال باشد و سودای چهارگانه در سر داشته باشی. در الوالده، سکوت پیش از طوفان آغاز شده است؛ طوفانی که یا آرسنال را به ساحل نجات می‌رساند، یا آنها را در ریای پرتلاطم ناکامی غرق می‌کند.